

روستا

کارآفرینی، امکان‌ها

وموانع

تهیه و تنظیم: شهاب‌الدین شکر* - سید مهدی میردامادی**

مقدمه

مسئله‌ی اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی برای پاسخگویی به تقاضای فزاینده‌ی جامعه به‌ویژه برای جوانان، از اولویت‌های اساسی کشور به شمار می‌رود. بدون شک وجود منابع بالقوه مستعد اعم از انسانی و غیرانسانی، از قوت‌های بدون جایگزینی است که پرداختن به آن، فرصت‌های بی‌بدیل و امیدبخشی را به ما خواهد داد. کارآفرینی فرایندی است که به بهره‌گیری از این فرصت‌ها و افزایش بهره‌وری و اثربخشی منجر خواهد شد. در این مقاله سعی بر این است تا با بررسی موانع پیش روی کارآفرینی و معرفی آن‌ها به ارائه‌ی راه‌کارهای بالقوه در محیط روستایی و کشاورزی کشورمان بپردازیم.

بیان مسئله

کارآفرینی مساله‌ای است که متأسفانه در کشور ما هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است، در حالی که در کشورهای پیشرفته اهمیت زیادی به این مقوله داده می‌شود، چون آن‌ها به ارزش این مفهوم در مقاطع مختلف تحصیلی از ابتدائی تا دانشگاه در ایجاد اشتغال مولد پی برده‌اند (عابدی، ۱۳۸۳). کشورهایی که با جمعیت جوان مانند کشور ما مواجه می‌باشند، با مضامین مختلفی روبرو هستند که عبارتند از:

ایجاد و گسترش فرصت‌های شغلی، عدم آشنائی کارآفرینان با مسائل مدیریتی، اعطای اعتبارات مالی، ایجاد فرصت‌های مساوی.

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت که رفع معضل بیکاری و توجه جدی به کارآفرینی نیازمند ایجاد انکوباتورها در سطح گسترده دارد (همان منبع).

بیکاری و پیش‌بینی تشدید آن در دهه ۱۳۸۰ سبب توجه به مسئله کارآفرینی در زمان تدوین برنامه سوم توسعه گردید. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارت خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهادکشاورزی، صنایع، معادن و فلزات و موسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت‌های آن‌ها مطرح گردید (طرح کاراد، ۱۳۸۳).

بخش روستایی و جامعه کشاورزی، اهمیت ویژه‌ای در توسعه کشور داشته و چشم‌اندازهای قابل توجهی در پیش رو دارد. از طرفی بررسی وضعیت اشتغال در این بخش، بیش از آنکه بیانگر مطلوبیت‌ها و حتی فرصت‌ها باشد، بر نگرانی‌ها و تنش‌ها و ناکفایتی‌ها دامن زده است. حال سوال اصلی آن است که چه فرصت‌ها و به تبع آن راه‌کارهایی برای کارآفرینی و توسعه فرصت‌های شغلی در روستا و بخش کشاورزی می‌توان یافت؟

کارآفرین و کارآفرینی، تاریخچه و مفاهیم
واژه و مفهوم کارآفرینی با رویکردی رسمی و محققانه در بطن تئوری‌های اقتصادی تبلور یافت. (احمدپور، ۱۳۸۱، ص ۲۶). تقریباً در همه تعاریف کارآفرینی این توافق وجود دارد که در مورد رفتاری بحث می‌کنیم که: (۱) پیشگام است، (۲) ساز و کارهای اجتماعی و اقتصادی را برای تبدیل منابع و موقعیت‌ها به وضعیت عملی، سازماندهی یا سازماندهی مجدد می‌کند، (۳) با مخاطره و شکست همراه است (فیض بخش، ۱۳۸۳، ص ۹). کارآفرینی از نظر یک مدیر، اقتصاددان، محقق و حتی یک تاجر قابل تعریف است.

به طور خلاصه کارآفرینی فرایندی است که فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناخت فرصت‌های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و شرکت‌های نو، سازمان‌های جدید و نوآور و قابل رشد می‌کند که توأم با پذیرش مخاطره است و منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدید به جامعه می‌گردد (کاراد، ۱۳۸۳). به گفته احمدپور شاید مهم‌ترین و پرآشفت‌ترین تعریف رایج و برداشت از کارآفرینی در کشور ما، ایجاد شغل می‌باشد. وی کارآفرینی را یک شغل می‌داند که در کنار مشاغل چون پزشکی، مهندسی، خلبانی، هنرپیشگی و... قابل طرح است (احمدپور، بی‌تا).

شومیتز پدر کارآفرینی معتقد است که عملکرد کارفرمایان نوآور عمدتاً در خلاقیت و نوآوری، شناخت صحیح فرصت‌های بازار و امکانات محیط، توانایی مدیریت و سازماندهی مناسب و همچنین غم‌ز م عملی کردن هدف و آرزوی اقتصادی خود، علی‌رغم احتمال وجود خطر می‌باشد (نگاهی به کارآفرینی و

کارفرمایان نوآور در برنامه پنجساله سوم، بخش آموزش عالی). به طور خلاصه کارآفرین، انسانی است که دارای قدرت درک، پیداکردن خلاصه‌ها و فرصت‌هاست و از طریق پرورش ایده و تبدیل فکر خود به یک محصول و خدمات جدید، در جامعه اقدام به ارزش‌آفرینی از هیچ می‌کند (احمدپور، بی‌تا).

کارآفرینی (Entrepreneurship) مفهومی است که از سه قرن پیش مطرح و تعاریف متنوعی از آن ارائه شده است. واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی Entrepreneur به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. از حدود سال ۱۷۰۰ میلادی به بعد فرانسویان در باره پیمان کاران دولت که دست‌انکار ساخت جاده، پل، بندر و استحکامات بودند، به کرات لفظ کارآفرینی را به کار برده‌اند (صابر، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

البته احمدپور با انتقاد از ترجمه کارآفرین از واژه Entrepreneur در ادبیات فارسی، واژه ارزش‌آفرین را برای آن پیشنهاد کرده است (احمدپور، بی‌تا).

در ارتباط با تکوین تاریخی مفهوم کارآفرینی، فیض بخش (۱۳۸۳) جدول زیر را ارائه کرده است:

پیدایش مفاهیم نظری کارآفرینی و اصطلاح کارآفرین

ریشه این واژه در زبان فرانسه است: به معنای "واسطه" یا "دلال".

قرون وسطی: بازیگر و شخصی که عهده دار طرح‌های تولیدی بزرگ است.

قرن هفدهم: کسی که ریسک سود (ضرر) را در قراردادی با قیمت ثابت یا دولت متحمل می‌شود.

۱۷۲۵: ریچارد کانتیلون: کسی که ریسک را می‌پذیرد با کسی که تأمین‌کننده سرمایه است، فرق می‌کند.

۱۸۰۳: جین باپتیست سی: سود ناشی از کارآفرینی از سود سرمایه مجزاست.

۱۸۷۶: فرانسیس والکر: بین کسانی که سرمایه را تأمین می‌کنند و بهره‌ی می‌گیرند با کسانی که از توانایی‌های مدیریتی برخوردارند، تفاوت وجود دارد.

۱۹۳۴: جوزف شومپتر: کارآفرین فردی است فعال که ریسک‌های معمول را می‌پذیرد.

۱۹۶۱: دیوید مک کلاند: کارآفرین فردی است فعال که ریسک‌های معمول را می‌پذیرد.

۱۹۶۴: پیتر دراگر: کارآفرین فرصت‌ها را به حداکثر می‌رساند.

۱۹۷۵: آلبرت شاپرو: کارآفرین مبتکر و سازمان‌دهنده چند سازوکار اقتصادی و اجتماعی است و ریسک و ورشکستگی را می‌پذیرد.

۱۹۸۰: کارل وسپر: کارآفرین از دید اقتصاددانان، روان‌شناسان، تاجران و سیاستمداران متفاوت است.

۱۹۸۳: گیفورد پینچات: کارآفرین درون سازمانی کارآفرینی در سازمانی تازه تأسیس شده است.

۱۹۸۵: رابرت هیسریچ: کارآفرینی عبارت است از فرایند خلق چیزی با ارزش و متفاوت از طریق اختصاص زمان و تلاش کافی، همراه با ریسک مالی، روانی و اجتماعی؛ همچنین دریافت پاداش‌های مالی و رضایت‌شغلی از نتایج آن.

منبع: فیض بخش، ۱۳۸۳، ص ۶.

به علاوه بررسی نظریه‌های اقتصادی کارآفرینی، مشخص‌کننده سه دوره متمایز می‌باشد:

۱. ارائه بحث کارآفرینی در اقتصاد و اوج‌گیری آن (۱۹۳۰-۱۷۷۰)
۲. کم‌رنگ شدن این موضوع در مباحث اقتصادی

نقش های کارآفرینی کارآفرینان در تئوری های اقتصادی

نقش کارآفرینی	نظریه پرداز اصلی
معامله گر	ریچارد رابینسون
فناورکننده	ژان باتیست ساین
بانک محصور	فریدریک هاتوی
تولید	آیزاک نیوتم
تصمیم گیرنده	ارلنگ نایت
واسطه	ادوین کارول

منبع: احمدپور، ۱۳۸۱، ص ۲۷

۳. طرح مجدد آن از سوی بعضی از صاحب نظران (احمدپور، ۱۳۸۱، ص ۶۸).

اسمیت دو دسته از کارآفرینان افزارمند (از زمینه های کاری یقه آبی) و فرصت گرا (دارای تحصیلات عالی) را معرفی کرده است. کورتوال و پرلمن نیز کارآفرینی را به سه دسته کارآفرینی

زیگی های مشترکی که در رویکردهای زیگی ها به کارآفرینان نسبت داده شد

نام محقق اصلی	سال تحقیق	زیگی
مک کله لند	۱۹۶۳	تولید طلبی
آنتیسنون- روتر	۱۹۵۷-۱۹۶۲	مرکز کنترل داخلی
لایلز- بروکهاوس	۱۹۶۰-۱۹۶۳	تمایل به پذیرش مخاطره های معقول
باومن- سکستون، اسکایر	۱۹۶۲	تحمل ابهام
جاکوبویتز و وایلد	۱۹۸۲	استقلال طلبی
سکستون	۱۹۸۲	پرورزی، با تکلیف، متعهد

منبع: احمدپور، ۱۳۸۱، ص ۲۸

فردی، کارآفرینی درون سازمانی و کارآفرینی سازمانی یا سازمان کارآفرینانه تقسیم بندی کرده اند (مقیمی، ۱۳۸۳، صص ۸۱-۸۰).
نقش و ویژگی های کارآفرینان در جامعه
 در تئوری های مختلف اقتصادی ۶ عامل مشترک کارکردی را می توان یافت که به کارآفرینان نسبت داده شده است.

صمدآقایی (۱۳۸۲)، نیز در مطالعه ای به بررسی نقش و اهمیت کارآفرینان در جامعه پرداخته است (صص ۲۶-۲۵).

صابر (۱۳۸۲)، ویژگی های عمومی کارآفرینان را اینگونه معرفی کرده است: ۱- خودباوری ۲- میل به نتیجه ۳- ریسک پذیری ۴- هدایت و رهبری ۵- خلاقیت ۶- آینده نگری (ص ۱۶).
 به طور کلی مهم ترین ویژگی های مورد توافق محققین درباره کارآفرینان در جدول زیر آمده است: ویژگی های مشترکی که در رویکرد زیگی ها به کارآفرینان نسبت داده اند

نام محقق اصلی سال تحقیق ویژگی مک کله لند ۱۹۶۳ توفیق طلبی آنتیسنون- روتر ۱۹۶۴-۱۹۵۷ مرکز کنترل داخلی لایلز- بروکهاوس ۱۹۸۰-۱۹۷۴ تمایل به پذیرش مخاطره های معتدل باومن، سکستون، اسکایر ۱۹۸۲ تحمل ابهام جاکوبویتز

و علاقه مند به مشارکت در طرح کار، قرار ندارد.

موانع کارآفرینی در ایران

امکانات نقش اساسی را در خلق و توسعه کارآفرینی ایفا می کند. اگر شرایط مطلوب موجود نباشد، هر اندازه که کارآفرینان دارای استعداد باشند، قادر به خلق مشاغل جدید نخواهند بود. شواهد حاکی است که نوآوری از مدیریت دقیق نشأت می گیرد و این موضوع بستگی دارد به:

- راهبرد - ساختار - مهارت - اطلاعات
 - خصوص اطلاعات باید افزود که عدم وجود سیستم اطلاعاتی کارا در اقتصاد ایران کاملاً مشهود است، به طوری که متقاضیان احداث واحدهای صنعتی به ویژه صنایع کوچک در برخی موارد آن چنان از بازار و نحوه فعالیت خود کم اطلاع هستند که مشاهده می شود چند طرح مشابه در کنار هم احداث گردیده و یا میزان مجوزهای صادر شده بیش از ظرفیت بازار آن محصول بوده است (عابدی، ۱۳۸۳).

علاوه بر این از تعلیم و تربیت و آموزش به عنوان یکی از عوامل مهم کارآفرینی یاد شده است. الوین تافلر نظام های آموزشی را مهم ترین عامل تحول و انقلاب برای آماده سازی انسان ها، جهت درک

و پذیرش تغییرات و قبول مسئولیت های خطیر معرفی می کند (رحمدل، ۱۳۸۳). زیرا بدون در اختیار داشتن نیروهای آموزش دیده، قرار گرفتن در مسیر کارآفرینی امری ناممکن است (عابدی، ۱۳۸۳). در شرایط فعلی، با فراگیر شدن نظام اطلاعاتی در

سطح بین المللی، انجام های شغلی، بهره مند بودن از دانش و مهارت کافی را می طلبد و شرط لازم برای موفقیت در بازار کار، حفظ رابطه شغلی و تحصیلی در

کنار هماهنگ کردن مستمر آموخته ها با دانش روز است (رحمدل، ۱۳۸۳). در این زمینه، بیشتر مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه ریشه در ضعف های بنیادی نظام آموزشی دارد. متأسفانه نظام آموزشی ما در فرایندهای خود توجهی به کارآفرینی- فن آوری و خلاقیت نداشته است (عابدی، ۱۳۸۳). برای ایجاد افراد کارآفرین، باید نظام آموزشی ما به سمتی برود که نیروهای شجاع و با شهامت در

تصمیم گیری پرورش دهد، چرا که اکثر فارغ التحصیلان دانشگاهی در تمام رشته ها، حتی رشته های فنی و صنعتی اعتماد به نفس و شهامت ریسک کردن برای استفاده از مزایای قانونی و تسهیلات تعیین شده قانونی برای خود و دیگران را نداشته و غالباً به دنبال فرصت های شغلی مزدبگیری هستند (راستگو، ۱۳۸۰).

در زمینه اشتغال زایی و کارآفرینی نظام آموزشی، و یا ارتباط نظام آموزشی با بازار کار، چالش هایی وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

* نگرانی و نارضایتی دانشجویان از وضعیت میهم آینده شغلی خود

* ضعف بنیه علمی دانشگاه های کشور

* مدرک گرایی و کم اعتنائی به ارزش علم

و تخصص در میان دانشجویان دانشگاه ها

(رحمدل، ۱۳۸۳).

به اعتقاد دکتر برداری نتایج پژوهش های انجام شده در مورد میزان درک مسئولیت های اجتماعی در بین دانشجویان و نحوه واکنش آن ها در مواجهه با بازار کار پس از فراغت از تحصیل نشان می دهد، ضعف نظام آموزش در سیستم آموزش عالی، نتوانسته نسبت به آماده کردن دانشجویان در زمینه پذیرش واقعیت های موجود در عرصه زندگی به نحوی مطلوب عمل کند، به گونه ای که بسیاری از دانشجویان با اتمام تحصیل و اخذ مدارج علمی بالا، قادر به استفاده از توانایی های خود و بهره وری در رشته تحصیلی نبوده و کارایی لازم را در این زمینه نداشته اند (همان منبع).

از دیگر موانع کارآفرینی و مشکلات پیش روی صنعت کارآفرینان، ناشناخته بودن مقوله کارآفرینی، ارزش نداشتن سرمایه در کشور، عدم امنیت منزلت اجتماعی و وجود موانع امنیتی و اطلاعاتی است. دولت باید حمایت های تکنولوژیکی، قانونی، حقوقی، ارزشی و اطلاعاتی را از کارآفرینان به عمل آورد. در ایران تعداد زیادی از افراد سرمایه گذاری نمی کنند، و بعضی از سرمایه گذاری های نیز (به دلیل رانت هایی که شکل گرفته آلوده شده اند و در حال حاضر به دلیل عدم وجود امنیت، افراد به سراغ کارهای تولیدی نمی روند (بازاریابی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).

غنی نژاد (۱۳۸۴) معتقد است که وجود یکسری قوانین و مقررات متعدد و متناقض، یکی از بزرگترین معضلات اقتصاد ماست. به گفته وی قوانین برای اینکه خوب و قابل اجرا باشد، باید تعداد کم باشد و اگر زیاد شد امکان تحریک را از عوامل اقتصادی می گیرد. دولت می تواند در امور اقتصادی و به بیان دیگر در بخش کالاهای عمومی فعالیت کند ولی ال آن دولت آن کاری که نمی کند این است که کالای عمومی تولید کند و کاری که می کند این است که کالای خصوصی را به نحو بدی تولید و توزیع کند که به اخلاص می انجامد. کالاهای عمومی مهم ترینش "امنیت" است. امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیت سیاسی و اجتماعی به کنار، دولت امنیت اقتصادی را به هیچ وجه نتوانسته برقرار کند

و دلیل آن هم فرار سرمایه از کشور می باشد به طوری که امروزه فرار سرمایه بزرگترین فساد اقتصادی به شمار می رود. پس وظیفه دولت ایجاد امنیت اقتصادی است که نتوانسته این کالای عمومی را تولید کند، در عوض به جای آن پفک نمکی تولید می کند (غنی نژاد، ۱۳۸۴).

شکری (۱۳۸۴) از کارشناسان رشته مدیریت دولتی و برخوردار از ۳۰ سال تجربه مدیریت در صنعت، معتقد است که دولت نقش تسهیل گر ندارد و مراکز دولتی مدارهای بسته ای هستند که نقش موثری در ارائه خدمات حرفه ای و مورد نیاز جامعه ایفا نمی کنند. به گفته وی، فرهنگ مانع آفرینی در بخش دولتی غالب بر تسهیل گری است و بعضاً کارشناسان در میان قوانین متعدد به دنبال تبصره هایی هستند که به جای ارائه راه کار و حمایت، موجهات محدودیت های بیشتری را فراهم می کند.

به علاوه نظام بانکی، حمایت از کارآفرینان و توسعه کارآفرینی را بر نمی تابد، به گونه ای که ارتباط به جای مهارت و تخصص، از توان بیشتری در اخذ تسهیلات و اعتبارات بانکی برخوردار است.

ادامه دارد

* عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات